

انسان بالغ

دستخوش تغییر خواهد شد. اما تصور این که من در جایی بنشینم و فقط و فقط پول دار شدن را در ذهنم مجسم کنم و هیچ تغییر عملی در زندگی‌ام ندهم و باور داشته باشم که به طریقی معجزه‌آسا، ثروت به سمت من خواهد آمد، چیزی جز تفکر کودکانه نیست.

۳- فرض علیت

زمانی

اگر کودکی دستش را در سوراخ بینی‌اش کند و همان موقع لیوانی از روی میز بیفتد و بشکند، ممکن

است تصور کند که چون همان زمان که دست در بینی کرده لیوان افتاده، پس علت افتادن لیوان این بوده که او دست در بینی‌اش کرده است! به این ویژگی تفکر کودکانه «فرض علیت زمانی» می‌گوییم. در بسیاری از بزرگسالان هم می‌توانید چنین تفکری را مشاهده کنید؛ برای نمونه اگر بلافاصله پس از این که اتومبیل را شستم، باران شروع شود و من به این نتیجه برسم که این دو ماجرا به همدیگر ربط دارند و بعد نتیجه‌گیری کنم که کائنات می‌خواهد با این «نشانه» به من بگوید که تو نباید ماشینت را تمیز کنی، من دچار تفکر کودکانه هستم.

اگر در گفت‌وگوی مردم دقت کنید، می‌بینید که بسیاری از بزرگسالان چنین تفکر کودکانه‌ای را حفظ کرده‌اند.

مشکل تفکر کودکانه چیست؟

اشکال کار، این‌جاست که حفظ تفکر کودکانه، با زندگی بالغانه تعارض دارد. تکالیفی که ما به‌عنوان فردی بزرگسال به‌عهده داریم - چه در حیطه‌ی زندگی خانوادگی، چه در زمینه‌ی کسب و کار و چه در زمینه‌ی مسؤولیت‌های شهروندی و اجتماعی - نیاز به تفکر عملیاتی و مدیریتی دارند و تا زمانی که رسوبات تفکرات کودکانه از ذهن ما شسته نشوند، نمی‌توانیم انتظار موفقیت در این زمینه‌ها را داشته باشیم.

دکتر محمدرضا سرگلزایی

روان‌پزشک

جهت اطلاع از سمینارها و کارگاه‌های آموزشی دکتر محمدرضا سرگلزایی با شماره تلفن ۰۹۱۲۳۳۳۶۷۱۶ (طباطبایی) تماس بگیرید.

بلوغ از نظر جسمی، علائمی دارد که باعث می‌شود ما به‌راحتی متوجه شویم چه کسی از نظر بدنی به بلوغ رسیده است، سؤال این است که «آیا بلوغ از نظر روانی نیز علائمی دارد؟» افراد زیادی از نظر جسمانی سال‌هاست که بالغ شده‌اند اما از نظر روانی هم چنان کودکانه فکر می‌کنند و کودکانه رفتار می‌کنند. «چه کسی هنوز از نظر روانی کودک است؟» «ژان پیازه» که سال‌ها رفتارهای کودکان را مورد مطالعه قرار داده بود، ویژگی‌های تفکر کودکانه را با دقت شرح داده است:

۱- تفکر عینی

کودکان برداشتی «عینی» از مسائل «انتزاعی» دارند. برای نمونه اگر در ذهن کودک «بوسیدن» به‌عنوان نماد «مهربانی» معرفی شده باشد، کودک، تنها بوسیدن را نشانه‌ی مهربانی می‌داند، بنابراین اگر فرد مهربانی، او را نبوسد، از نظر کودک مهربان نیست درحالی‌که فردی نامهربان، تنها با بوسیدن کودک، برایش مهربان معرفی می‌شود!

بسیاری از بزرگسالان هم که تفکر کودکانه دارند، چنین طرز فکری دارند. از نظر آنان مفاهیم انتزاعی، به‌طور کامل در چارچوب‌های عینی محدود می‌شوند. ما می‌دانیم که مهربانی می‌تواند تجلی‌های متنوعی داشته باشد. لبخند، نگاه مهربان، بوسیدن، در آغوش گرفتن، ایثار و فداکاری، خدمت‌کردن، یاری‌نمودن، نگران کسی‌بودن، دل‌تنگ کسی شدن، هدیه‌دادن، عفو و گذشت‌کردن و بسیاری رفتارهای دیگر می‌توانند تجلی مهربانی باشند. اما گاهی می‌بینیم جوانی ۲۰ساله پدر و مادر خود را نامهربان می‌داند یا خانمی، شوهر خود را فاقد مهربانی می‌داند فقط به این دلیل که یک رفتار خاص که از نظر او تنها نماد مهربانی است را بروز نداده‌اند. این نوع تفکر کودکانه، عامل بسیاری از مشکلات در روابط بین افراد است.

۲- تفکر جادویی

یکی دیگر از ویژگی‌های تفکر کودکانه این است که تصور کنیم افکار ما دارای قدرتی جادویی‌اند که بدون این‌که در رفتار ما تأثیرگذارند، به‌طور مستقیم باعث ایجاد اثر در دنیای خارج می‌گردند. چنین تفکری را «تفکر جادویی» می‌نامیم. جهان، تنها به رفتارهای ما پاسخ می‌دهد. تصور این‌که اگر به چیزی فکر کنم، در زندگی من اتفاق می‌افتد، تصویری کودکانه است. روش‌های «تصویرسازی ذهنی» و «تجسم هدایت‌شده» تکنیک‌هایی درمانی هستند که قرار است احساسات ما را دگرگون کنند ولی گروهی چنان تبلیغ می‌کنند که گویی با تغییر تجسم، اتفاقات بیرونی زندگی را می‌توان تغییر داد! این گروه برای رونق کاسبی خود حاضرند مردم را به‌سمت تفکر کودکانه سوق دهند. روش‌های «تصویرسازی ذهنی» اگر منجر به دگرگون کردن احساسات ما شوند، می‌توانند انتخاب‌های ما را تغییر دهند و با تغییر انتخاب‌ها، رفتار ما در زندگی تغییر می‌کند و اگر این تغییرات رفتاری چشمگیر و قابل توجه باشند، طبیعی است که اتفاقات بیرونی و روابط ما با دیگران هم